

منطق گفتگویی میخائیل باختین

تزوِتان تودوروف

ترجمه‌ی داریوش کریمی



فهرست

پیشگفتار ۷

فصل اول : زندگینامه

زندگینامه ۱۵

فصل دوم : معرفت‌شناسی علوم انسانی

علوم طبیعی و علوم انسانی ۳۱

تفاوت در موضوع‌شناسایی ۳۵

تفاوت در روش ۴۲

زبان‌شناسی و فرازبان‌شناسی ۴۶

فصل سوم : گزینش‌های اساسی

عامل فردی و اجتماعی ۵۳

صورت و محتوا ۶۱

فصل چهارم : نظریه گفتار

تدوین‌های اولیه ۷۲

دومین هم‌نهاد ۸۴

الگوی ارتباط کلامی ۹۱

چندگونگی ۹۵

فصل پنجم : بینامتنی

تعریف بینامتنی ۱۰۰

غیاب بینامتنی؟ ۱۰۴

سنخ‌شناسی‌ها ۱۱۲

فصل ششم: تاریخ ادبیات

۱۲۱.....	مقولات
۱۲۸.....	انواع ادبی
۱۳۵.....	دربارهٔ رمان
۱۴۳.....	زیرنوع‌های رمان

فصل هفتم: انسان‌شناسی فلسفی

۱۴۷.....	دیگربودگی و زندگی روانی
۱۵۴.....	دیگربودگی در آفرینش هنری
۱۶۷.....	دیگربودگی و تفسیر
۱۷۷.....	واژه‌نامهٔ انگلیسی به فارسی
۱۸۰.....	فهرست آثار محفل باختین به ترتیب زمانی

فصل اول

زندگینامه

منبع اصلی ما برای مطالعه زندگی باختین نوشته‌ای است که در ابتدای یادمانی برای وی در سال ۱۹۷۳ در اتحاد شوروی انتشار یافت (۱)، در این جا من تنها به خلاصه این نوشته اکتفا می‌کنم و جزئیاتی نیز از منابع دیگر به آن می‌افزایم. میخائیل میخائیلوویچ باختین در سال ۱۸۹۵ در یک خانواده اشرافی فقیر شده در اورل به دنیا آمد. پدرش کارمند بانک بود. دوران کودکی باختین در اورل و نوجوانی اش در ویلنیوس و آدسا گذشت در دانشگاه آدسا و بعدها در پتروگراد وازه‌شناسی تاریخی^۱ خواند و در سال ۱۹۱۸ در این رشته فارغ‌التحصیل شد. از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ در شهرستان کوچک نول و پس از آن در ویتبسک به تدریس در مدرسه ابتدایی مشغول بود. در سال ۱۹۲۱ در ویتبسک ازدواج کرد. در نول با دوستان خود مجمعی تشکیل داد (۲). والرین نیکلاوویچ ولوشینف (۱۸۹۴-۱۹۳۶ یا ۱۸۹۵) شاعر و موسیقی‌شناس، یو واسیلیوویچ پامپیانسکی (۱۸۹۱-۱۹۴۰) فیلسوف و ادب‌شناس، م. ب. یورینا (۱۸۹۹-۱۹۷۰) پیانونواز، ب. ن. زوباکین (۱۸۹۴-۱۹۳۷) شاعر، و ماتوی عیساویویچ کاگان (۱۸۸۹-۱۹۳۷) فیلسوف، در این حلقه حضور داشتند. کاگان که به تازگی از آلمان بازگشته بود ابتکار عمل را در گروه به دست داشت. وی در لایپزیک و برلین و ماربورگ فلسفه خوانده بود، شاگرد هرمان کوهن بود و در کلاس‌های کاسیرر حضور یافته بود. وی اولین گروه غیررسمی را که نام «مجمع کانتی» به

1. philology

موسیقی‌شناس و ی. کانایف زیست‌شناس و تاریخ‌دان علوم. «مجمع کانتی» فعالیت‌هایش را از سر گرفت. باختین از راه کارهای پراکنده به امرار معاش پرداخت. در سال ۱۹۲۹ کتابی چاپ کرد، مسائل آثار داستایفسکی. اکنون می‌دانیم متن اولیه این کتاب که شاید کاملاً با متن چاپ شده متفاوت بوده باشد تا پیش از ۱۹۲۲ تکمیل شده بود. در همین سال (۱۹۲۹) باختین به دلایلی که ناشناخته مانده‌اند اما احتمالاً به مناسباتش با مسیحیت ارتدکس مربوط می‌شوند، دستگیر شد. به واقع به همین دلیل بود که دوست وی پامپیانسکی در سال ۱۹۲۸ بازداشت شد. پامپیانسکی در ۱۹۲۶ برای کاگان که در آن زمان در مسکو زندگی می‌کرد در شرح جلسات مجمع نوشت: «در طول این سال‌ها و به خصوص در سال جاری، مشغول بحث پیرامون خداشناسی بوده‌ایم. جمع ما متشکل از همان دوستان پیشین است: م. ب. یودینا، م. م. باختین، م. ی. توییانسکی و خود من» (۴۳). پنج سال محکومیت در بازداشتگاهی در سولوفسکی برای باختین صادر شد اما به دلیل بیماری محکومیت وی به تبعید در قزاقستان تقلیل یافت. از ۱۹۳۰ به بعد باختین به کارهای دفتری در مؤسسات مختلف در شهر کوچک کوستانای در مرز سیبری و قزاقستان اشتغال داشت. در سال ۱۹۳۶ در دانشکده تربیت معلم سارانسک به کار گمارده شد و در سال ۱۹۳۷ در کیمر در یکصد کیلومتری مسکو اقامت گزید و به تدریس زبان روسی و آلمانی در دبیرستان محلی مشغول شد. باختین هر از چندی در فعالیت‌های انجمن ادبی دانشگاه علوم در مسکو شرکت می‌جست. در سال ۱۹۴۵ به دانشکده تربیت معلم سارانسک بازگشت و تا ۱۹۶۱ یعنی زمان بازنشستگی در آنجا ماند. کتاب وی درباره داستایفسکی که گسترش بیش‌تری یافته بود در ۱۹۶۳ دوباره چاپ شد و کتابش درباره رابله سرانجام در ۱۹۶۵ به انتشار درآمد. این کتاب در واقع پایان‌نامه‌ای بود که در سال ۱۹۴۰ تکمیل شد اما پس از دشواری فراوان در ۱۹۴۶ از آن دفاع به عمل آمد. او در شرایطی که می‌دید سلامتی‌اش رو به زوال است در ۱۹۶۹ در مسکو اقامت گزید و آخرین سال‌های عمر را در خانه سالخوردگان در کلیموسک در نزدیکی مسکو سپری کرد. باختین در ماه مارس ۱۹۷۵ در سن هشتاد سالگی درگذشت. مراسم تشییع وی به رسم ارتدوکس به انجام رسید.

خود گرفت سازمان داد. اعضای حلقه فوق علاوه بر فعالیت خصوصی در این مجمع در مباحث عمومی و رسمی نیز شرکت می‌کردند. به عنوان مثال می‌توان از چاپ مجموعه مباحثاتی با نام خدا و سوسیالیسم در نشریه محلی مولت (چکش) نام برد. این مجموعه مباحثات نه تنها از این جهت که تصویری نادر از فضای روشنفکری شوروی در آن زمان ارائه می‌دهد بلکه از این جهت که حاکی از توجه باختین به مسائل مذهبی است نیز می‌تواند قابل توجه باشد:

رفیق باختین ضمن بیان‌اتش در دفاع از مذهب، آنچه از نظر ما عامل تاریک‌اندیشی است، به عرش‌اعلا رفت. در اشارات وی حتی یک مثال زنده از تاریخ و زندگی انسانی مشاهده نشد. وی در مواردی به پذیرش سوسیالیسم و حتی تمجید از آن پرداخت اما از اینکه در سوسیالیسم به درگذشتگان و قدما بدل توجه نمی‌شود شکایت کرد و از این امر ابراز نگرانی نمود (گویی خدمات کافی برای مردگان ارائه نمی‌شود!) باختین گفت در آینده مردم ما را برای این بی‌توجهی نخواهند بخشید... با گوش دادن به باختین این احساس در شنونده بیدار می‌شود که مجموع آنان که مدفون و به خاک بدل شده‌اند به زودی از گورهایشان برخوانند خاست و زمین را از وجود کمونیست‌ها و سوسیالیسم خواهند زدود. پنجمین سخنران رفیق گوتمان بود که... (۱۳ دسامبر ۱۹۱۸ به نقل از (۴۳))

پس از نقل مکان باختین و عزیمت کاگان (ابتدا به پتروگراد و سپس به اورل) گروه در ویتبسک با شرکت ولوشینف و پامپیانسکی و چند عضو جدید دیگر دوباره شکل گرفت. این اعضای جدید عبارت بودند از: پاول نیکلایوویچ مدویدف (۱۸۹۱-۱۹۳۸) منتقد، و ی. سولرتینسکی موسیقی‌شناس. مارک شاگال نقاش نیز در این گروه رفت و آمد می‌کرد. در ویتبسک باختین به تدریس ادبیات و زیباشناسی مشغول شد اما به دلیل ابتلا به مرض آماس مغز استخوان از سال ۱۹۲۱ که در ۱۹۳۸ منجر به قطع یک پای وی شد، در ۱۹۲۴ به پتروگراد بازگشت و به دوستانش ولوشینف، پامپیانسکی و مدویدف پیوست. سومین حلقه دوستان با افراد زیر تشکیل شد: ن. کلینوف شاعر، ک. وازینوف رمان‌نویس، م. توییانسکی کارشناس زبان‌های وابسته به هندی، ی. توییانسکی